

پیش‌گفتار مازیار رازی

دولت و انقلاب در ایران

لنین کتاب «دولت و انقلاب» را در اوت- سپتامبر ۱۹۱۷ در مخفی‌گاه خود به رشته تحریر در آورد. اندیشه‌ی ضرورت تنظیم تنوریک مسأله دولت در نیمه‌ی دوم سال ۱۹۱۶ توسط لنین اظهار شده بود. در همان زمان بود که مقاله‌ی «انترناسیونال جوانان» را نوشت و در آن خط‌مشی انحرافی بوخارین را درباره‌ی مسأله‌ی دولت مورد انتقاد قرار داد و وعده کرد مقاله مفصلی در باره روش مارکسیزم نسبت به دولت بنویسد.

شناخت ماهیت دولت همواره یکی از مسایل محوری مارکسیزم بوده است. لنین در این کتاب به درستی به یکی از مسایل اساسی آن دوره اشاره کرده و در مقابل انحرافات موجود مقابله می‌کند. کتاب «دولت و انقلاب» لنین برای شناخت دولت سرمایه‌داری در ایران بسیار حائز اهمیت است. زیرا در جامعه ما نیز اختشاش و سردرگمی در مورد دولت سرمایه‌داری همواره توسط گرایش‌های سانتریست و خرده‌بورژوا و استالینیست وجود داشته است.

در واقع می‌توان اذعان داشت که بدون شناخت ماهیت دولت سرمایه‌داری، ماهیت انقلاب آتی و رهبری آن انقلاب نیز مورد درک دقیق قرار نمی‌گیرد. برخی مفهوم دولت را با حکومت اشتباه می‌گیرند. با استبداد سرمایه‌داری مخالفند اما از نهادهای موجود در آن حمایت می‌کنند. دولت سرمایه‌داری از

دیدگاه مارکسیستی بسیار فراتر از این هاست. فردریک انگلس به درستی تعریف دولت را به "دسته افراد مسلح" خلاصه می کند. بی شک دولت افزون بر مسلح ساختن طبقه حاکم و خلع سلاح کردن طبقات تولید کننده، کارکردهای دیگری نیز دارد. اما در تحلیل نهائی، کارکرد دولت اعمال زور بخشی از جامعه علیه بخشی دیگر است. هیچ چیز در تاریخ به این نظریه بورژوا-لیبرال صحنه نمی گذارد که دولت از یک "قرار داد" و یا یک "پیمان" ناشی شده که تمامی اعضای جماعت آزادانه آن را پذیرفته اند. همه چیز نشانگر آن است که دولت برآیند زور و قهری است که عده ی قلیلی علیه سایرین اعمال می کند.

هر چند که در تحلیل نهائی، دولت دسته ای از افراد مسلح است و هر چند که قدرت طبقه حاکم در وهله ی نهائی متکی بر جبر قهرآمیز است، با این همه دولت نمی تواند خود را منحصرأ به این جبر محدود سازد. جامعه طبقاتی ای که فقط از راه قهر مسلحانه پایدار است، در وضع جنگ داخلی دائمی، یعنی در منتهی درجه بحران، به سر می برد.

بنابر این برای تثبیت حاکمیت یک طبقه بر طبقه ای دیگر، برای هر مدتی که باشد، مطلقاً ضروری است که تولید کنندگان، یعنی اعضای طبقه تحت یوغ استثمار، تصرف افزونه تولید اجتماعی توسط اقلیت را به منزله امری اجتناب ناپذیر، جاودانی، و به حق بپذیرد. از همین روست که دولت صرفاً عامل اختناق نیست، بلکه عامل ادغام ایدئولوژیک نیز هست. این کارکرد را "سازندگان ایدئولوژی" به عهده دارند. بیشتر افراد به کمک تبلیغاتی که در مدرسه یا در مساجد آموخته اند، و افزون بر این به کمک آرائی که از تلویزیون، رادیو، آگهی ها و یا روزنامه ها به امانت گرفته اند، می اندیشند. از

این رو تولید جاری آرا و نظام پندارها که آن را ایدئولوژی می نامیم بسیار محدود بوده و تا حدود زیادی در انحصار اقلیت کوچکی از جامعه است. در هر جامعه طبقاتی ایدئولوژی حاکم، ایدئولوژی طبقه حاکم است. دلیل اصلی این امر این است که تولید کنندگان ایدئولوژی به صاحبان افزونه تولید اجتماعی وابستگی مادی دارند. در سده های میانین هزینه زندگی شاعران، نقاشان و فیلسوفان را مستقیماً اشراف و کلسیا (که گذشته از اشراف، خود بزرگ ترین مالک فنودال بود) می پرداختند. زمانی که اوضاع اجتماعی و اقتصادی دگرگون شد، بازرگان و بانک داران، ادب، فلسفه و هنر را در پناه لطف خود گرفتند. این جا نیز وابستگی مادی عریان بود. پیدایش تولید کنندگان ایدئولوژی که دیگر سر راست وابسته به طبقه حاکم نباشند تا ظهور سرمایه داری به طول انجامید. ولی این تولیدکنندگان ایدئولوژی نیز برای "بازار آزادی" کار می کنند که سرمایه داران و دولت بورژوازی تنها خریداران آنند.

ایدئولوژی حاکم هر چه که باشد، کار کردش جز تثبیت شکل موجود اجتماع، یعنی تثبیت حاکمیت طبقاتی چیز دیگری نیست. قانون شکل غالب مالکیت را حمایت و توجیه می کند. خانواده نیز همین نقش را دارد، و مذهب به استثمار شدگان می آموزد که سرنوشت خود را بپذیرد. آرمان های سیاسی و اخلاقی حاکم از راه سفسطه یا بیان فقط نیمی از حقایق می کوشند حاکمیت طبقه حاکم را توجیه کنند.

دولت سرمایه داری در داخل ایران نیز شامل نماز جمعه ها، رسانه های عمومی، مطبوعات، نهادهای کارگری وابسته به دولت هست. مانند خانه ی

کارگر، شوراهای اسلامی کار، حزب اسلامی کار، تمام این‌ها ابزار دولت و ابزار سرکوب سرمایه‌علیه طبقه‌ی کارگر هستند.

دولت ایران در مجموع در عصر کنونی همواره یک دولت سرمایه‌بوده است. زیرا که سلطه‌ی انحصارات بین‌المللی در اقتصاد ایران منجر به پیدایش یک دولت سرمایه‌داری شد. اما، برخلاف دولت‌های سرمایه‌داری غربی، دولت ایران ما حاصل یک انقلاب بورژوا دمکراتیک نبوده، که محصول دخالت مستقیم امپریالیزم بوده است. نظام سرمایه‌داری توسط امپریالیزم، از بالا جایگزین یک نظام پیشا سرمایه‌داری شد.

از این رو، دوران انقلاب دمکراتیک در ایران (از لحاظ انتقال قدرت دولتی به بورژوازی و نه از لحاظ تحقق تکالیف دمکراتیک)، سپری شده است. قدرت دولتی در دست بورژوازی است و هیچ بخشی از آن در انقلاب سهیم نخواهد بود.

چنان‌چه ماهیت طبقاتی دولت فعلی، بورژوازی باشد و چنان‌چه این دولت قادر نباشد که تکالیف مرکب انقلاب را حل کند، پس بدیهی است که تنها طبقه‌ی کارگر قادر به حل نهایی مجموعه تضادهای جامعه است. در نتیجه، انقلاب آتی نیز یک انقلاب کارگری است. در ایران، علی‌رغم تعداد قلیل طبقه کارگر نسبت به سایر زحمت‌کشان، این طبقه تنها طبقه‌ای است که قادر به بسیج سایر قشرهای تحت ستم و تدارک انقلاب در راستای حل تکالیف آن تا به آخر است. بدیهی است که دولت آتی، پس از سرنگونی دولت سرمایه‌داری، تنها یک دولت پرولتاری است. به سخن دیگر، «رهبری» در دست طبقه‌ی کارگر است. متحدان طبقه‌ی کارگر نیز در انقلاب آتی، صرفاً دهقانان فقیر و نیمه پرولترها (و زنان و ملیت‌های تحت ستم) هستند. اما، در دوره‌ی پیشا

انقلابی می توان حول مسائل خاص عملی با سایر قشرها، با حفظ استقلال سیاسی، در «اتحاد عمل» ها علیه رژیم سرمایه داری شرکت کرد.

مفهوم «رهبری» کارگری در انقلاب نیز این است که قدرت سیاسی بایستی در دست طبقه ی کارگر باشد (اکثر آراء در دولت انقلابی از آن نمایندگان کارگران و دهقانان فقیر است- یعنی «نظام شورایی»). منظور از «انقلاب کارگری» نیز آغاز انقلاب سوسیالیستی است. پس از سرنگونی دولت سرمایه داری در ایران، طبقه ی کارگر و متحدانش متشکل در دولت کارگری، آغاز به حل تکالیف مرکب دمکراتیک و ضدسرمایه داری می کنند. دیوار چینی حل تکالیف دمکراتیک و ضدسرمایه داری را از هم جدا نمی کند.

اما، با آغاز انقلاب کارگری در یک کشور، جامع (از لحاظ اقتصادی) «سوسیالیستی» نخواهد شد. ساختن سوسیالیسم یک مسئله ی ملی نیست. سوسیالیسم صرفاً در سطح بین المللی قابل تحقق است. در یک کشور عقب افتاده مانند ایران، می توان ساختمان سوسیالیسم را پس از تسخیر قدرت، آغاز کرد (اقتصاد با برنامه را مستقر کرد)، اما نمی توان آن را در محدوده یک کشور به پایان رساند. سوسیالیسم صرفاً در مقیاس بین المللی و پس از انقلاب های سوسیالیستی، حداقل در چند کشور پیشرفته به پیروزی خواهد رسید. اما، این به این مفهوم نیست که باید امر تدارک انقلاب های سوسیالیستی را به تعویق انداخت. تسخیر قدرت توسط پرولتاریا باید در هر کشوری که شرایط ذهنی (رهبری انقلابی) آماده ای داشته باشد، آغاز گردد. این خود پیروزی انقلاب ها را در سایر کشورها تسریع می کند. دوره ی کنونی، دوره ی طغیان های توده ای و انقلاب های کارگری است. در ایران نیز وضعیت عینی برای تسخیر قدرت آماده است. در نتیجه وظیفه ی

سوسیالیست های انقلابی تدارک برای تسخیر قدرت توسط پرولتاریا و آغاز انقلاب سوسیالیستی است.

کتاب «دولت و انقلاب» برای درک انقلاب آتی در ایران ضروری است.

آذر ۱۳۸۵

آدرس اینترنتی کتابخانه: <http://www.iwsn.org/nashr.htm>

آدرس پستی: BM IWSN, London WC1N ۳XX, UK

ایمیل: yasharazarri@yahoo.com

مسئول نشر کارگری سوسیالیستی: یاشار آذری

تاریخ بازنویسی: ۱۳۸۵